

# ختم خطابه فدک

به همراه شرح فرازهای این خطبه

بخش چهارم



ثُمَّ رَمَتْ بِطَرْفِهَا نَحْوَ الْأَنْصَارِ فَقَالَتْ يَا مَعْشَرَ النَّقِيبَةِ وَ

سپس حضرت فاطمه علیها السلام گروه انصار را مخاطب قرار داده فرمودند: ای جوانمردان!

أَعْضَادَ الْمِلَّةِ وَ حَصْنَةَ الْإِسْلَامِ مَا هَذِهِ الْغَمِيزَةُ

ای بازوان توانمند مردم! ای نگهبانان اسلام!، این سهل انگاری

فِي حَقِّي وَالسَّنَّةُ عَنْ ظُلَامَتِي؟ أَمَا كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

شما در ستاندن حق من از چیست؟ این چه سستی است که در برابر ستمی که بر من شده، روا می دارید؟ آیا پدرم

أَبِي يَقُولُ الْمَرْءُ يُحْفَظُ فِي وُلْدِهِ سَرْعَانَ مَا أَحَدَثْتُمْ

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نمی فرمود: «بزرگداشت هر کسی را درباره فرزندان هم باید پاس داشت»؟ چه

وَ عَجَلَانَ ذَا إِهَالَةٍ وَ لَكُمْ طَاقَةٌ بِمَا أَحَاوِلُ وَ قُوَّةٌ

زود اوضاع را واژگون نمودید و به بیراهه گام نهادید، با اینکه توانایی و قدرت بر احقاق حقوق مرا در بازو و عده کافی

عَلَى مَا أَطْلُبُ وَ أَزَاوِلُ أَمْ تَقُولُونَ مَاتَ مُحَمَّدٌ ﷺ؟

در اختیار دارید. آیا می گویند که محمد صلی الله علیه و آله و سلم از دنیا رفت و با رفتن او همه چیز تمام شد؟

فَخَطْبُ جَلِيلٍ اسْتَوْسَعَ وَهَنُهُ وَاسْتَنْهَرَ فَتْقُهُ وَانْفَتَقَ رَتْقُهُ

آری رحلت او ضربه هولناکی بر پیکره اسلام بود، فاجعه بزرگی است که بر همه غبار غم فرو ریخت که شکافش

وَ أَظْلَمَتِ الْأَرْضُ لِغَيْبَتِهِ وَ كَسَفَتِ الشَّمْسُ وَ الْقَمَرُ وَ

هر روز فراختر و گسستگیش دامنه دار تر و وسعتش فزون تر می گردد... زمین از نبود او تاریک و ظلمانی و خورشید و ماه پشت

انْتَثَرَتِ النُّجُومُ لِمُصِيبَتِهِ وَ أَكْذَتِ الْأَمَالَ وَ خَشَعَتِ

ابره‌های تیره و تاریک پنهان، و به خاطر این مصیبت ستارگان از هم جدا و پراکنده شدند. امیدها ناامید

الْجِبَالُ وَ أَضِيعَ الْحَرِيمُ وَ أُزِيلَتِ الْحُرْمَةُ عِنْدَ مَمَاتِهِ فَتِلْكَ

کوهها متزلزل، حریم افراد شکسته، و اهل بیت او بی احترام شد. به خداوند سوگند که این حادثه

وَ اللَّهُ النَّازِلَةُ الْكُبْرَى وَ الْمُصِيبَةُ الْعُظْمَى لَا مِثْلَهَا نَازِلَةٌ وَ لَا

بزرگ ترین بلاء، مصیبتی شدید و ضایعه‌ای جبران ناپذیر بود که هیچ حادثه‌ای بدان پایه نمی‌رسد. اما به یاد داشته

بَائِقَةٌ عَاجِلَةٌ أَعْلَنَ بِهَا كِتَابُ اللَّهِ جَلَّ ثَنَاؤُهُ فِي أَفْنِيَتِكُمْ

باشید که قرآن از پیش این واقعه را گوشزد نموده بود. همان کتابی که پیوسته در خانه‌های شماست

وَ فِي مُمْسَاكُمُ وَ مُصْبِحِكُمْ يَهْتَفُ فِي أَفْنِيَّتِكُمْ

و صبح و شامگاه با صدای بلند و زمانی آهسته و

هُتَافاً وَ صُرَاخاً وَ تِلَاوَةً وَ إِحَاناً وَ لِقَبْلَهُ مَا حَلَّ

با لحن های مختلف به تلاوت آن می پردازید. در این مسیر

بِأَنْبِيَاءِ اللَّهِ وَ رُسُلِهِ حُكْمٌ فَضْلٌ وَ قَضَاءٌ حَتْمٌ- وَ مَا

انبیای پیشین هم واقع شدند چرا که مرگ فرمان تخلف ناپذیر الهی است: «جز

مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ أَمْ إِنِ

این نیست که محمد پیامبری است که پیش از او پیامبران دیگری هم بوده اند، اگر او

مَاتَ أَوْ قُتِلَ انْقَلَبْتُمْ عَلَى أَعْقَابِكُمْ وَ مَنْ يَنْقَلِبْ عَلَى

بمیرد و یا کشته شود شما به آیین پیشین خود بازمی گردید؟

عَقْبِيهِ فَلَنْ يَضُرَّ اللَّهَ شَيْئاً وَ سَيَجْزِي اللَّهُ الشَّاكِرِينَ

بازگشت هر کسی زبانی را متوجه ذات حق نخواهد کرد. و خداوند سپاسگزاران را پاداش خواهد داد».

إِيهَا بَنِي قَيْلَةَ أَأَهْضِمَ تَرَاثُ أَبِي- وَأَنْتُمْ بِمَرَأَى مِنِّي وَ

هیئات! پسران قیله ( قبیله‌های اوس و خزرج ) پیش چشمان شما میراث پدرم را ببزندا ح

مَسْمَعٍ وَ مُنْتَدَى وَ مَجْمَعٍ تَلْبَسُكُمْ الدَّعْوَةُ وَ تَسْمَلُكُمْ

رمتم بشکنند! در حالی که شما آشکارا می‌بینید و می‌شنوید و اخبارش به گوش شما می‌رسد.

الْخَبْرَةُ وَأَنْتُمْ ذُوو الْعَدَدِ وَالْعُدَّةِ وَالْأَدَاةِ وَالْقُوَّةِ وَعِنْدَكُمْ

اما شما بیهوش و خاموش نشستهاید؟ در حالی که سرباز و نیروی بسیار دارید. ساز و برگ فراوان دارید و

السِّلَاحُ وَالْجُنَّةُ تُوَافِيكُمْ الدَّعْوَةُ فَلَا تُجِيبُونَ وَ تَأْتِيكُمْ

سلاح و سپر بی‌شمار. دعوتم را می‌شنوید و پاسخ نمی‌گویید!

الصَّرْحَةُ فَلَا تُغِيثُونَ وَأَنْتُمْ مَوْصُوفُونَ بِالْكِفَاحِ مَعْرُوفُونَ

فریاد من در میان شما طنین افکن است اما چه سود که به فریاد نمی‌رسید!

بِالْخَيْرِ وَ الصَّلَاحِ وَ النُّخْبَةِ الَّتِي انْتُخِبَتْ

در حالی که شما در شجاعت زبازند خاص و عام، در خیر و صلاح شهره آفاق، و برگزیدگان قبایل و اقوامید.

وَ الْخَيْرَةُ الَّتِي اخْتِيرَتْ لَنَا اَهْلَ الْبَيْتِ قَاتَلْتُمُ الْعَرَبَ وَ

و نزد ما اهل بیت از بهترین مردمان محسوب می‌شدید. شما با مشرکان عرب جنگیدید

تَحَمَّلْتُمُ الْكَدَّ وَ التَّعَبَ وَ نَاطَحْتُمُ الْأُمَّمَ وَ كَافَحْتُمُ الْبُهَمَ

رنج و محنت فراوان تحمل کردید. شاخهای گردنکشان را شکستید و با شجاعان و دلیران، جنگ

لَا نَبْرُحُ أَوْ تَبْرُحُونَ نَأْمُرُكُمْ فَتَأْتِمِرُونَ حَتَّى إِذَا دَارَتْ بِنَا

و ستیز نمودید. شما بودید که پیوسته در راه ما، و سر به فرمان ما داشتید، تا اینکه

رَحَى الْإِسْلَامِ وَ دَرَّ حَلَبُ الْأَيَّامِ وَ خَضَعَتْ ثَغْرَةُ الشِّرْكِ وَ

آسیای اسلام بر محور وجود ما به گردش در آمد و رونق روزگار رو به فزونی نهاد. نعره مشرکان

سَكَتَتْ فَوْرَةُ الْإِفْكِ وَ خَمَدَتْ نِيرَانُ الْكُفْرِ وَ هَدَّاتُ دَعْوَةُ

آرام شد، لهیب دروغ فروکش کرد، آتش کفر بی‌فروغ شد، فراخوانی به جدایی

الْهَرَجِ وَ اسْتَوْسَقَ نِظَامُ الدِّينِ فَأَنَّى حُزَّتُمْ بَعْدَ الْبَيَانِ

و تفرقه بازایستاد، و دین نظام یافت. اکنون پس از آن همه زبان‌آوری چرا دم فرو بستید؟

وَ أَسْرَرْتُمْ بَعْدَ الْإِعْلَانِ وَ نَكَصْتُمْ بَعْدَ الْإِقْدَامِ وَ

و حقایق را پس از آشکار شدن مکتوم می‌دارید؟ آنهم برابر مردمی که پیمان خود را شکستند؟

أَشْرَكْتُمْ بَعْدَ الْإِيمَانِ بُؤْساً لِقَوْمٍ نَكَثُوا أَيْمَانَهُمْ مِنْ

و پس از قبول ایمان راه شرک پیشه کردید؟ در این هنگام، حضرت زهرا س دربارہ غاصبان فرمودند: چه بد است قومی که

بَعْدَ عَهْدِهِمْ وَ هُمَا بِإِخْرَاجِ الرَّسُولِ وَ هُمْ بَدَؤُكُمْ

» سوگند خود را شکستند و آهنگ اخراج رسول کردند و بر ضد شما دشمنی

أَوَّلَ مَرَّةٍ أَوْ تَخْشَوْنَهُمْ فَاللَّهُ أَحَقُّ أَنْ تَخْشَوْهُ إِنْ كُنْتُمْ

آغاز کردند نمی‌جنگید؟» سپس به انصار فرمودند: آیا از آنها می‌ترسید؟ و حال آنکه

مُؤْمِنِينَ أَلَا وَ قَدْ أَرَى أَنْ قَدْ أَخْلَدْتُمْ إِلَى الْخَفِضِ - وَ

اگر ایمان آورده باشید سزاوارتر است که از خداوند بترسید». اما می‌بینم که به تن آسایی خو گرفته‌اید، و کسی را که از همه

أَبْعَدْتُمْ مَنْ هُوَ أَحَقُّ بِالْبَسْطِ وَ الْقَبْضِ وَ خَلَوْتُمْ بِالذَّعَةِ

برای زعامت و اداره امور مسلمانان شایسته‌تر است دور ساخته‌اید، و به آسودن در گوشه‌ای رفته‌اید

وَنَجَوْتُمْ بِالضِّيقِ مِنَ السَّعَةِ فَمَجَبْتُمْ مَا وَعَيْتُمْ وَدَسَعْتُمْ

و به آسایش خود فکر می کنید و از فشار و تنگنای مسئولیت به بی تفاوتی روی آورده اید. آری آنچه از ایمان و آگاهی در درون

الَّذِي تَسَوَّغْتُمْ فَاِنْ تَكْفُرُوا اَنْتُمْ وَمَنْ فِي الْاَرْضِ جَمِيعاً

داشتید، بیرون افکندید، و آب گوارایی که نوشیده بودید، به سختی از گلو بیرون ریختید. «اگر شما و همه روی زمین کافر

فَاِنَّ اللّٰهَ لَغَنِيٌّ حَمِيدٌ اَلَا وَقَدْ قُلْتُمْ مَا قُلْتُمْ هَذَا عَلٰى مَعْرِفَةٍ

گردند خداوند بی نیاز و در خور ستایش است». من آنچه شرط بلاغ است و آنچه باید می گفتم، با شما گفتم.

مِنِّي بِالْخَذَلَةِ الَّتِي خَامَرْتَكُمْ وَ الْغَدْرَةِ الَّتِي اسْتَشَعَرْتَهَا

اما می دانم مردمی خوار، و در چنگال زبونی گرفتار، و خیانت پیشه هستید و

قُلُوبِكُمْ وَ لَكِنَّهَا فَيَضَةُ النَّفْسِ وَ نَفْثَةُ الْغَيْظِ

قلبهای شما بدان گواه است. چه کنم که دلی پر خون دارم. و از این رو بازداشتن زبان شکایت از طاقتم بیرون است!

وَ خَوْرُ الْقَنَاةِ وَ بَثَّةُ الصِّدْرِ وَ تَقْدِمَةُ الْحُجَّةِ

اندوهی که در سینه ام موج می زند، بیرون ریختم، تا با شما اتمام حجت کنم و عذری برای کسی باقی نماند.



فَدُونَكُمْوَهَا فَاحْتَقِبُوهَا دَبْرَةَ الظَّهْرِ نَقِبَةَ الخُفِّ بَاقِيَةَ

اکنون که چنین است این مرکب خلافت ارزانی شما، به آن محکم درآویزید و هرگز رهائش مسازید.

العَارِ مَوْسُومَةً بِغَضَبِ الجَبَّارِ وَ سَنَارِ الأَبَدِ

ولی آگاه باشید که پشت این شتر مجروح و پای آن تاول زده و سوراخ است. داغ ننگ بر خود دارد و نشانی از خشم خداوند

مَوْصُومَةً بِ نَارِ اللّهِ الموقدَةِ الَّتِي تَطَّلِعُ عَلَى الأفئِدَةِ

و رسوایی ابدی با او همراه است. اما شما را آسوده نخواهد گذارد تا به آتش خشم خداوندی بیازارد «آتشی که هر دم می

فَبِعَيْنِ اللّهِ مَا تَفْعَلُونَ وَ سَيَعْلَمُ الدِّينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ

افزود و دل و جان را می سوزد». آنچه می کنید در نزد خداوند حاضراست «و ستمکاران به زودی درمی یابند که به چه

يُنْقَلِبُونَ وَ أَنَا ابْنَةُ نَذِيرٍ لَكُمْ بَيْنَ يَدَيِ عَذَابٍ شَدِيدٍ

مکانی باز می گردند» من دختری پیامبری هستم که شما را از عذاب الهی بر حذر می داشت. آنچه در توان دارید انجام دهید.

فَاعْمَلُوا إِنَّا عَامِلُونَ وَ انْتَظِرُوا إِنَّا مُنْتَظِرُونَ

«مانیز به وظیفه خود عمل می کنیم. شما انتظار بکشید ما نیز منتظر می مانیم».